

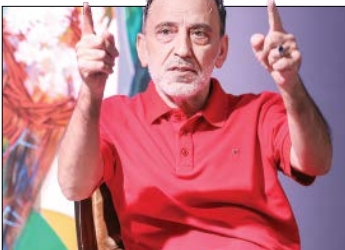
مرتضی اسدی، هنرمند نقاش در نشست بررسی هجدهمین حراج تهران که در گالری «ایده» برگزار شد نقد را یکی از راه‌های هنر دانست و گفت: من خود جزو منتقدان حراج تهران بوده و هستم. اولین کار من در حراج ۲۵میلیون تومان و آخرین اثر ۲۶۰میلیون تومان به فروش رفت. قطعاً بحث من سر این موضوع نیست، زیرا اگر به‌طور مثال یک میلیارد تومان هم بفروشم، خارج از حراج تهران چنین قیمت‌هایی وجود

### جوانان نباید گول بخورند

ندارد و این خود، لطمه خیلی بزرگی به هنرمندان باسابقه و جوان می‌زند.

وی گفت: به نظر من باید تمام بخش‌های دولتی و خصوصی کمک کنند که اگر حراجی در ایران برگزار می‌شود، کیفی باشد. من خوشحالم که جوانان در عرصه تجسمی فعال عمل می‌کنند اما نباید گول بخورند که حضور در حراج و فروش آثارشان، یک شبه ره صد ساله رفته‌اند.

او در ادامه با اشاره به این‌که نباید از جایی مثل حراج تهران توقع حمایتگری داشت، عنوان کرد: نباید فراموش کنیم که وظیفه نهادی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری، حمایت از هنرمندان است. ۸۰درصد از بودجه کشور قرار بود صرف خرید آثار هنری شود اما هرگز این اتفاق رخ نداد، زیرا اثر هنری برای دولتمردان ماهمیت ندارد.



در گفت‌وگوی «جام‌جم» با بهنام جلالی جعفری، هنرمند نقاش و استاد دانشگاه بررسی شد

# جریان امیدبخش هنر معاصر کشور

**با بهنام جلالی جعفری، دکترای فلسفه هنر با تخصص زیبایی‌شناسی، کارنامه‌اش و پژوهش‌هایش در هنر اسلامی آشناییم؛ او که عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی است، عضویت در هیات علمی پژوهش مدیریت هنر و ریاست انجمن هنرهای تجسمی استان تهران را نیز برعهده دارد. با این استاد هنر نقاشی و طراحی گفت‌وگویی درباره هنر معاصر کشور و رابطه آن با هویت ایرانی – اسلامی داشتیم که در ادامه می‌خوانیم:**

علی‌مظاهری  
گروه فرهنگ و هنر

❏ در دوران ما بسیار امکانات، دانش و تجربه‌ها در دسترس است اما انگار آن به‌قول حافظ (کیمیای عزت) ناپدید و دور از دسترس شده. از شما می‌پرسم چرا دیگر آن قله‌ها، چکاده‌های سربلند یگانه و تاثیرگذار بر روند هنر و این همه کوشش و سازماندهی به درخشش یگانه‌های جاودان و جریان‌ساز مثل رهبران پیشیناز و بزرگ هنر منجر نمی‌شود؟

زمانه تغییر کرده و افکار و بینش‌ها درباره هنر و معنایش دگرگون شده‌است. سده ۱۹ و ۲۰ فضا به گونه‌ای بود که هنرمندان به دنبال پدیدآوردن سبک ویژه خودشان و پیگیری بودند تا نوآور و خلاق باشند و ایده‌های جدیدی را بیبروراند و ارائه کنند. امروز در سده ۲۱ ناگزیر فضا تغییر کرده همچنان که بعدها نیز

این روند تغییر به شکل و شیوای دیگر رخ خواهد داد. از این روست که چهره‌های ممتاز و موثر معاصر با همه توانایی و کوشایی به آن اوج‌های افسانه‌ای نمی‌رسند. ازمنظر دیگر می‌توانیم به ریشه‌هایی بپردازیم و این سخن شما را که چرا هنرمندان یگانه پدید نمی‌آیند، این‌گونه تحلیل کنیم که چنین موضوعی به آموزش هنر برمی‌گردد، روش‌های آموزشی هنر که در یک فرهنگ یا کشور وجود دارد، ممکن است نارسایی‌ها، ضعف‌ها و چالش‌هایی داشته‌باشد که هنرمندان آن چنانی تربیت نمی‌کنند یا هنرمندان پس از آن که تجربیات‌شان را غنا بخشیدند به آن نقطه اوج و خلاقیتی که باید نمی‌رسند. از سوی



**هنرجویان خلاق باید برداشت درست و صحیحی از هنر ایرانی-اسلامی داشته‌باشند، با ادبیات و فلسفه ایرانی آشنا باشند و مسائل هنری ایران را مانند خط، نقاشی، داستان، شعر، اسطوره، فولکلور و ... مطالعه عمیق کنند**

عقیده دارم باید در مراکز آموزشی –هنری مایک بازیبنی صورت بگیرد و به‌ویژه باید این بازیبنی واقعاً ژرف و عمیق باشد. اول باید وابسته به فرهنگ خودمان و برآمده از سنت‌ها و آیین‌های‌مان اصیل باشد تا بتوانیم آثاری نو و جدید بیافرینیم. حتی جوانان باید با فرهنگ و هنر و ادبیات ایران به گونه‌ای ژرف و گسترده آشنا باشند. البته روشن کنم که در کنار این موضوع، هنر جهانی نیز

جایگاه شایسته یافت و اثر خلاقه به‌جا بگذاریم. این بده‌بستان چنان‌که می‌دانید و تجربه شده همانا بستر شکوفایی هر تمدن و فرهنگ در طول تاریخ بوده‌است. این راهکار می‌تواند در بحث آموزش و خلاقیت هنری، امر خیلی مهمی تلقی شود.

❏ **مهم‌ترین و محوری‌ترین انتقاد به فضای هنری جاری هنر در کشور برای توان‌افزایی نسل هنرمندان جوان در راستای خودشکوفایی‌شان را چه می‌بینید؟**

مهم‌ترین و محوری‌ترین انتقاد به همین بحث آموزش هنر برمی‌گردد. باید کتاب‌های جدید تهیه و چاپ شود. از هنرمندان خارج به ایران بیایند و برعکس، به عبارتی باید تعاملی مستمر میان هنر غرب و شرق به‌وجود بیاید. منظور این نیست که ما از آثار آنهاکپی کنیم یا به تکرارشان دست بزنیم، بلکه با این هدف که آثار دیده شود. به‌ویژه آثار هنرمندان خوب ایرانی که الان دست‌اندرکار هستند و کارهای خیلی

#### برش

## بازنگری در رویکردهای آموزشی

❏ **زمانی می‌توانستیم در هنر و آورده‌های هنری اواخر دهه ۵۰ و ۶۰ بسیاری ایرایت جهانگرا و نوجو بازیان و رویکردی جهانی ببینیم. آیا واقعیت دارد هنر دست‌کم دو دهه اخیر دگر و اسیر میان‌مانگی شده یا این برداشت، تئدری است؟ تلقی شما تاویل منتقدانه‌تان از روح حاکم بر روند هنر معاصر کشور و نظرتان درباره این فضا؟**

من فکر می‌کنم هنر معاصر کشور ما خوب پیش می‌رود. درست است تاکید دارم تدریس در مراکز آموزش هنری و دانشکده‌ها اصولی باشد و اصلاح شود و پایه‌ای و صادقانه و اصیل باشد. این مرحله آموزشی که به پایان می‌رسد، پس از بازای بنابه غنای تجربه هنرمندان واقعاً به این نتیجه می‌رسند که در

مسیر تحصیل و آموزش‌شان اشکال‌ها و نارسایی‌هایی وجود داشته و دارد.

می‌توانند برای برطرف کردن‌شان، پیشنهادی بدهند یا کاری کنند اما این ایرادها بیاستی در همان زمان تحصیل و آموزش برطرف شود نه این که پس از مدت‌ها پیش‌رفتن در مسیری که کوشیده و چندوچون تمرین‌هایی که داشته، بخواهد تازه خودش را تصحیح کند و آن ایرادها و اشتباهات آموزشی را اصلاح کند؛ یعنی زمانی که دیگر دیر شده‌و آن شکوفایی و شور خلاقیت رویه افول و تقلیل گذاشته. در برخی مواقع این هنرمندان جوان ناگزیر کار هنری را کنار می‌گذارند چون نمی‌توانند از عهده‌اش برآیند و به کاری دیگر که البته هنری نیست، می‌پردازند.

❏ **مثلاً یکی از مکتب‌های هنری معاصر «سقاخانه» است. این مکتب و تاثیر خلاقه‌اش چگونه بود؟**

من فکری می‌کنم بحث سقاخانه بسیار مهم است و این هنرمندان سعی داشتند هنر ایرانی را ارتقا بدهند. به هرحال این مکتب، با‌ه‌ازی از هنر ایران است و آثار بسیار زیبایی را به یادگار گذاشتند که امروز مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و هنرمندان جوان سعی می‌کنند به بهره‌برداری بهتری از عناصر ایرانی آن هم

با معنا و محتوای جدید در راستای فضای کاری‌شان ببردارند. در واقع این، بی‌شرفت‌است همین که امروزه به هنرمندان جوان می‌نگریم که از مکتب سقاخانه یا هم‌راستا با آن ایده گرفته‌اند، به این معنی است که به روشنی کوشیده‌اند آنچه به نظر برخی‌ها ایراد، نارسایی و مسائلی از این دست به شمار رفته و نقد شده، در کار خودشان برطرف کنند و آثاری را به وجود بیاورند معاصرتر، بهتر و ایرانی‌تر!

❏ **به ویژه هویت‌ساز، هویت‌نما و هویت‌افزایی یک اثر هنری؟ چه چیزهایی متن خلاقه مثلاً مرا در کنار دیگر متن‌ها و دیگر هنرمندان جهان واجد ایرانیّت و اسلامیّت می‌کند؟ آن نهان در تولیدات هنری بزرگان ما چگونه می‌تواند در متن‌های ما نیز فراخوانده و حاضرشود و برای آثار هنری‌مان شناسنامه خاص ایرانی صادر کند؛ زیرا بسیاری از کارها هیچ بوی ایرانی نمی‌دهند و هویت مجهولی دارند؟**

خود هویت در اثر هنری بستگی به شخص دارد. هویت چیزی نیست که بخواهیم آن را تدریس کنیم یا بیاموزانیم. هویت هر فرد در خودش وجود دارد، مانند این که یک ایرانی دارای هویت ایرانی است و بر پایه زندگی و زیست جغرافیایی و فرهنگ خودش کار می‌کند. در این باره نمی‌توان به آموزش پرداخت. هویت در خاطره جمعی ما به شکل ناخودآگاه وجود دارد که با مطالعه‌می‌توان خودآگاهی کرد.

### نمایشگاه

#### «بوسه تو» منتشر شد

**نمایشگاه «بوسه تو» برای چهارمین سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی با خوانندگی محمد متمدی منتشر شد. محمد مهدی سیار، شاعر این اثر متن آن را براساس نامه شهید سلیمانی به دخترش -فاطمه- سروده است. در متن شعر این نمایشگاه آمده است:**

**«من تشنه دیدارم ای زیبای تنها  
با یک نظر آتش بن خاکسترم را  
من تشنه دیدارم ای پیداترین راز  
دلنتگ تو، دلنتگ آن آغوش دل‌باز  
این بی‌قراری پایان ندارد  
کی می‌رسد وقت قرار بوسه تو»**

# جام جم

## تجسمی

ART

دوشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲ ۶۶۷۱ شماره

#### یادداشت

محمود نورانی | ادیتر گروه فرهنگ و هنر

نگاهی به نمایشگاه عکس

«از آن روز که رفتی» حمزه اولیازاده

### بازتولید هنری

فرآیند خلق اثر هنری و ارائه آن، می‌تواند به بازتولیدهای هنری دیگری بدل شود که از اثر تولید اصلی فراتر و بیانگرتر باشد. این‌که یک فیلم ساخته شود و عکاس و طراح آن بتوانند فراتر از معنای فیلم در یک فریم یا قاب گرافیکی کلیت مضمون فیلم را به مخاطب ارائه کنند، موضوعی است که در طول تاریخ هنر معاصر بسیار رخ داده و موجب ارائه آثاری در ساحتی دیگر را فراهم کرد که خود در جایگاه هنری به اثری بدیع تبدیل شده‌اند.

نمایشگاه عکس «از آن روز که رفتی» حمزه اولیازاده که به بهانه بزرگداشت مقام والای حضرت فاطمه(س) در این روزها که ایام شهادت و ولادت این بانوی بزرگوار در جریان است، در گالری محیطی خانه هنرمندان پیش روی عموم مخاطبان قرار گرفته است که در نوع خود یک بازتولید بدیع از اثر هنری دیگری است. اولیازاده به‌عنوان یک عکاس باسابقه با ثبت لحظاتی از نمایش «در قاب ماه» حسین مسافر آستانه، به کنشی هنری دست پیدا کرده که فراتر از بیابنگری این نمایش است.

بازخوانی یک روایت با حضور بازیگران در صحنه، در آثار اولیازاده تبدیل به سایه‌هایی شده‌اند که گویی بلندای آنها در طول تاریخ همراه ما بوده و در موقعیت‌های مختلف آن را دیده‌ایم. دژاوو و حس آشناپنداری که مخاطب با دیدن این آثار تجربه می‌کند، برگرفته از قابی است که هنرمند در کشف صحنه نمایش، آن را به شکلی فرمال ثبت کرده است. این نگاه فرمالیستی بر اساس نورهای رنگی صحنه اصلی نمایش چنان دقیق انتخاب شده که مخاطب در مواجهه با اثر ساخت مدیا آن رانقاشی فرض خواهد کرد و با دقت بیشتر به عکس‌گونی آن پی خواهد برد. کادر به کادر کردن بودن تصاویر که ماهیت اصلی آن به طراحی صحنه نمایش اصلی باز می‌گردد، در این اینجا با هوشمندی عکاس، نقاشی‌های چند لته‌ای را به یاد می‌آورد.



اما جدا از مواجهه یک هنرمند با اثری هنری دیگر، زاویه نگاه روایتگر هنرمند ثانی است. اولیازاده در این آثار با نگاهی مینی‌مالیستی تلاش کرده تا با کمترین اکت‌ها به بیشترین بازدهی از نوع روایتگری برسد. انتخاب دقیق کنش بازیگران در زاویه‌های نوری که در صحنه مستتر است، چنان دقیق انتخاب شده که در قاب عکس مخاطب آشنا با روایت زندگی ائمه معصومین می‌تواند لحظات را با ذهنیات خود در تقابل بنشاند و با آن همدات‌پنداری کند. قرار گرفتن یک زن با سایه‌ای بلند در پس مردانی در کادر نوری سبز رنگ که مخاطب را با صحنه‌ای از واقعه غدیر روبه‌رو می‌کند، به خوبی نشان می‌دهد که ولایت بعد از نبوت بدون استواری زن صدراسلام ناممکن است. قرارگیری قامت زن در کادری رمز رنگ نیز به خوبی نشان می‌دهد که مصائبی که پس از این رقم خواهد خورد، نتیجه این استواری براره رسول و جانشین بر حق اوامیرالمومنین است. انتخاب چنین لحظاتی از سوی اولیازاده چنان دقیق رقم خورده که آثار عکاسی او را فراتر از مفاهیم متن و نمایشی که روی صحنه رفته، قرار داده است.

این‌که نمایشگاه این آثار نیز در یک محیط عمومی قرار گرفته، خود امر بدیعی است که مخاطب عموم را با هنر پیوند می‌دهد که در جای خود قابل تأمل است.

#### قاب



### نمایشگاه

#### «بوسه تو» منتشر شد

**نمایشگاه «بوسه تو» برای چهارمین سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی با خوانندگی محمد متمدی منتشر شد. محمد مهدی سیار، شاعر این اثر متن آن را براساس نامه شهید سلیمانی به دخترش -فاطمه- سروده است. در متن شعر این نمایشگاه آمده است:**

**«من تشنه دیدارم ای زیبای تنها  
با یک نظر آتش بن خاکسترم را  
من تشنه دیدارم ای پیداترین راز  
دلنتگ تو، دلنتگ آن آغوش دل‌باز  
این بی‌قراری پایان ندارد  
کی می‌رسد وقت قرار بوسه تو»**

### «امکان بودن»

#### در گالری شمیس

نمایشگاه گروهی سرامیک، مجسمه «امکان بودن»، این روزها در گالری شمیس ریاست. این نمایشگاه که باکیوبتوری صادق باقری، گردآوری شده در آثاری از بهاره خدائی‌انگاری، الهه حسینی، مریم طالبی، آناهیتا طبیبی به نمایش گذاشته است. در توضیح این نمایشگاه چنین آمده است: «در بی‌کرات هستی،

همه چیز در تغییر و تحول است. این تغییرات اجتناب‌ناپذیر و دگرگونی‌یابی، در ذهن بیننده، انگاره‌ای پدید می‌آورد و آن‌سوی وضعیت موجود، موقعیت متفاوتی می‌سازد. یک موقعیت که امکان بودن در لحظه جدید را فراهم می‌کند. در گستره زمانی مشخص، تنها برش گوناگی از این سیر دگرگونی و تغییر مشاهده و درک می‌شود، زیرا ماندگاری در این وضعیت پایدار نیست و میل به تغییر در زمان و مکان دیگری، تصاویر، مفاهیم و درکی نو می‌آفریند. ادراک ما از این جهان‌موازی میان خیال و واقعیت ملموس ناشی از تقابل تجربیات درونی، ارزشها و ناخودآگاه از سویی و تغییرات محیطی و مسائل اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر است.» علاقه‌مندان برای بازدید از نمایشگاه «امکان بودن» می‌توانند تا ۲۲ دی، از ساعت ۱۶ تا ۲۰، به غیر از روزهای شنبه به گالری شمیس واقع در بلوار اندرگرو، کوچه دانیالی، پلاک ۸ مراجعه‌کنند.



#### نگارخانه

### نمایشگاه

### آثار بانوان خوشنویس



نمایشگاه آثار خوشنویسی «سایه آفتاب» ۱۲ دی‌ماه در نگارخانه خیال موسسه هنری صبا، برگزار می‌شود. به مناسبت فرارسیدن میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)، ۲۱ بانوی خوشنویس آثار خود را به همراه تعدادی از آثار کاتب قرآن کریم؛ استاد محمدعلی قربانی، در

این نمایشگاه به نمایش در خواهد آورد. این نمایشگاه که در ساعت ۱۵ روز ۱۲ دی ۱۴۰۲ به میزبانی نگارخانه خیال، واقع در موسسه هنری صبا، افتتاحیه خود را برگزار می‌کند، شامل آثار خوشنویسی با بهره‌مندی از خطوط نستعلیق، نسخ، ثلث، کوفی و شکسته نستعلیق خواهد بود.

این بانوان خوشنویس، آثار خود را با مضمون و محتوای آیات شریف قرآن کریم، احادیث، روایات و متون مذهبی خلق کرده‌اند. نمایشگاه خوشنویسی سایه آفتاب، تا ۱۷ دی ماه ۱۴۰۲، از ساعت ۱۰ تا ۱۸ (به جز ایام تعطیل) میزبان عموم علاقه‌مندان خواهد بود. موسسه هنری - پژوهشی صبا در خیابان طالقانی، قبل از خیابان ولیعصر(عج)، خیابان شهید برادران مظفر، شماره ۱۳۵ واقع است.